

گفت‌وگو با حمید بابایی درباره نشست‌های ادبی «دوشنبه‌ها به وقت کتاب»

رمان و داستان کوتاه را گروهی و منصفانه نقد می‌کنیم

«دوشنبه‌ها به وقت کتاب» عنوان سلسله‌نشست‌هایی است که نزدیک دو سال است عصرهای دوشنبه در حوزه هنری برگزار می‌شود. این نشست‌ها با محوریت نقد و بررسی رمان و داستان کوتاه شکل گرفته و توانسته است جمعی از نویسندگان نوقلم، پیشکسوتان ادبیات داستانی و علاقه‌مندان به نوشتن را پای ثابت خود کند. آنچه این برنامه را از بسیاری نشست‌های مشابه متمایز می‌کند، فضای آزاد و بی‌پرده جوان فرصت دیده شدن می‌یابند و هم نویسندگان باتجربه امکان انتقال دانش و تجربه دارند. حمید بابایی، نویسنده و فعال فرهنگی از ابتدا مسئولیت برگزاری این جلسات را بر عهده داشته است. در گفت‌وگویی که پیش رو دارید، او از ایده شکل‌گیری این نشست‌ها، اهداف و دستاوردهای آن و همچنین چالش‌هایی که بر سر راه این برنامه قرار دارد سخن می‌گوید.

■ ■ ■

آقای بابایی، برنامه «دوشنبه‌ها به وقت کتاب» از چه زمانی آغاز شد و تا الان چند جلسه برگزار شده است؟

این برنامه ۳۹ جلسه برگزار شده است و جلسه بعدی می‌شود چهلمین نشست. حدود ۱/۵ سال تا دو سال است که این جلسات مرتب برگزار می‌شود و همه هم در حوزه هنری بوده‌اند، البته یکسری جلسات جدید هم در «بهشت» شروع کرده‌ایم که آنها جداس‌ت و سه‌شنبه‌ها برگزار می‌شود.

ایده شکل‌گیری این جلسات از کجا آمد؟

ایده «دوشنبه‌ها به وقت کتاب» حدود ۲/۵، سه سال پیش مطرح شد. ما در حوزه جلسه‌ای داشتیم درباره رمان‌های ایرانی. همان‌جا دوستان نویسنده گلایه کردند که حوزه هنری فقط کتاب منتشر می‌کند، اما رمان‌ها را جدی نمی‌گیرد و بیشتر روی تاریخ شفاهی تمرکز دارد. خب این حرف درست بود. روایت برای حوزه خیلی مهم‌تر از رمان است. من در جایگاهی نیستم که قضاوت کنم، ولی به نظر من این یک اشتباه استراتژیک است. در همان جلسه آقای بهزاد دانشگر گفت حمید بابایی سال‌ها تجربه برگزاری جلسات دارد و بهتر است این کار را به او بسپاریم. واقعیت هم همین بود. من پیش‌تر در فرهنگسرای اشراق و خانه

فرهنگ حکیمیه نزدیک ۸۰-۷۰ جلسه برگزار کرده بودم. همین شد که به این نتیجه رسیدیم می‌توانیم برنامه‌ای ویژه برای رمان داشته باشیم.

هدف برنامه از ابتدا چه بود؟

قرار گذاشتیم جلسات‌ا‌خص روی رمان کار کند، البته من دوست داشتم روایت هم باشد، ولی روایت‌ها جلسات جداگانه دارند و حمایت‌های خاص خودشان. ما هم تمرکزمان را گذاشتیم روی رمان و داستان کوتاه، چه کودک، نوجوان و چه بزرگسال. تلاش ما این بود که بیشتر به نویسندگان نو قلم یا تک‌کتابی بپردازیم، اما به مرور مخاطبان خواستند نویسندگان پیشکسوت هم بیایند،



چون بسیاری از شرکت‌کنندگان خودشان نویسنداند یا علاقه‌مند به نوشتن هستند و می‌خواهند از تجربه بزرگان بیاموزند، برای همین ترتیبی از نویسندگان جوان و قدیمی را دعوت می‌کنیم.

بعضی‌ها می‌گویند ممکن است این جلسات تعطیل شود. واقعاً چنین چیزی در کار است؟

در حال حاضر تأمین منابع مالی برای نشست‌های کوچک فرهنگی با موانعی همراه است، اگرچه این نشست‌ها هزینه‌های اندکی دارند، اما روندهای اداری و مالی سبب می‌شود که حتی همین مبالغ ناچیز نیز به‌سادگی در دسترس نباشد. در مقابل، برای برنامه‌های بزرگ‌تر

این نگاه بسته باعث شده است کیفیت آثار هم پایین بیاید. من همیشه به دوستان گفتم‌ام جذب نکنید، ولی دفع هم نکنید. کاری نکنید که آدم‌ها از حوزه دل بکنند. ادبیات ایران نیاز دارد همه جریان‌ها در آن حضور داشته باشند.

فضای جلسات «دوشنبه‌ها به وقت کتاب» چگونه است؟

خیلی صریح و بی‌تعارف، این برای من خیلی ارزشمند است. شرکت‌کنندگان اگر کتابی ضعیف باشند، رک می‌گویند ضعیف است و با استدلال حرف می‌زنند. اگر قوی باشد هم همین‌طور. من معمولاً کتاب‌ها را پیشاپیش می‌خوانم تا آماده باشم، اما خیلی وقت‌ها نقدهایی که بچه‌ها می‌کنند دقیقاً همان چیزهایی است که خودم هم در ذهن داشتم. الان دارم فرمت جلسات را تغییر می‌دهم تا نقدها علمی‌تر شود، مثلاً ساختار گرایانه، روایت‌شناسی یا پس‌استعمرای. هدف این است که جلسه به یک کارگاه نقد تبدیل شود.

معیار انتخاب کتاب‌ها چیست؟

ابتدا بنا گذاشته بودیم به نویسندگانی بپردازیم که کتاب‌شان کمتر دیده شده، به‌ویژه نویسندگان شهرستانی و جوان، اما بعد مخاطبان گفتند بعضی کتاب‌ها خیلی ضعیف است، برای همین ما هم لایه‌لای کارها، نویسندگان پیشکسوت را هم آوردیم. اولویت‌مان کتاب‌های سوره مهر است، ولی تعارف نداریم. گاهی هم از ناشران دیگر مثل نا نقدها علمی‌تر شود، مثلاً ساختار گرایانه، روایت‌شناسی یا پس‌استعمرای. هدف این است که جلسه به یک کارگاه نقد تبدیل شود.

شما در جاهای مختلف به سوره مهر و حوزه هنری هم نقد داشته‌اید. این نقدها چه اثر تباطی در جلسات دارد؟

واقعیت این است که سوره مهر امکانات زیادی دارد، اما سیاست‌گذاری‌اش درست نیست. صرف چاپ کتاب کافی نیست. باید تبلیغ، توزیع و بازاریابی هم باشد. خود من کتابی دارم به نام «روخانه ماهانه تهنک» که جایزه هم برد. همه حقوقش را هم به سوره مهر داده‌ام، اما حتی یک بار هم تبلیغ نشد. اگر یک ناشر خصوصی پشتش بود، چند چاپ می‌خورد. بعضی کتاب‌ها مثل «دا» مدها بار تجدید چاپ می‌شوند، اما خیلی از آثار خوب اصلاً دیده نمی‌شوند. نتیجه‌اش این می‌شود که نویسنده‌ها خودشان کتاب‌شان

بودجه‌های قابل توجهی اختصاص می‌یابد. در نتیجه بخشی از توان و زمان بر گزار کنندگان به جای برنامه‌ریزی فرهنگی، صرف پیگیری‌های مالی می‌شود و این امر می‌تواند بر کیفیت و استمرار چنین نشست‌هایی اثر بگذارد.

غیر از مشکلات مالی، چالش دیگری هم داشته‌اید؟

بله، متأسفانه در سال‌های گذشته کاری کرده‌اند که خیلی از نویسنده‌ها حاضر نیستند به حوزه هنری بیایند. بعضی‌ها حوزه را ملک شخصی خودشان می‌دانند و دیگران را راه نمی‌دهند، در حالی که ما می‌گوییم حوزه مال همه است.

نگاهی به ۳ کتاب به مناسبت سالگرد شهادت رهبر حزب‌الله لبنان

سید حسن نصرالله در آینه حماسه و سوگ

را بازسازی می‌کند که در آن غم و غرور و بهام آمیخته شده‌اند. کتاب از روز اعلام شهادت آغاز می‌شود و به توصیف تجمعات مردمی، شعارهای ضدصهیونیستی، حضور رهبران مقاومت و حتی تأثیر این رویداد بر فضای سیاسی منطقه می‌پردازد. یکی از نقاط قوت کتاب، تمرکز بر جزئیات انسانی است، مثلاً روایت‌هایی از مادرانی که فرزندان خود را به مراسم آورده‌اند تا درس مقاومت بیاموزند یا جوانانی که با پرچم‌های حزب‌الله، خیابان‌ها را پر کرده‌اند. این کتاب نه تنها یک مستند تاریخی است، بلکه یک اثر ادبی است که با استفاده از تکنیک‌های روزنگاری، خواننده را در میان جمعیت قرار می‌دهد. در بخشی از کتاب، نویسنده به ترکیب منحصربه‌فرد سوگ و حماسه اشاره می‌کند: «در آن لحظات، بیروت نه شهری سوگوار، بلکه قلعه‌ای از ایستادگی بود که هر اشک، تیری به سوی دشمن بود.» این روایت‌ها که بر اساس مشاهدات مستقیم نویسنده‌گان نوشته شده‌اند، نشان‌دهنده عمق نفوذ سیدحسن در دل مردم است. کتاب با ۲۹۰ صفحه، قیمتی حدود ۲۹۰ هزار تومان دارد و برای کسانی که می‌خواهند حس و حال تشییع را زنده کنند، گزینه‌ای ایده‌آل است. انتشار این کتاب از سوی سوره مهر، نشان‌دهنده تعهد این ناشر به حفظ میراث مقاومت است و می‌تواند الهام‌بخش نویسندگان جوان برای تولید آثار مشابه باشد.

کتاب دوم، «در بازداشت حزب‌الله» نوشته محمدحسین عظیمی، رویکردی متفاوت دارد و به زندگی لبنان پس از شهادت سیدحسن نصرالله می‌پردازد. این اثر که بخشی از مجموعه «خط سرخ» سوره مهر است، در قالب یک سفرنامه تنظیم شده و حاصل بیش از ۱۰۰ مصاحبه با اعضای حزب‌الله، مردم عادی و رهبران محلی است. عظیمی که خود پس از شهادت به لبنان سفر کرده است، روایتی دست‌اول از فضای حاکم بر کشور ارائه می‌دهد: از ویرانی‌های ناشی از حملات صهیونیستی تا روحیه مقاومتی که همچنان بایر جاست. کتاب در ۲۸۴ صفحه و با قیمت ۱۴۰ هزار تومان منتشر شده و سال انتشار آن ۱۴۰۴ است. تم اصلی کتاب، بررسی اینکه چگونه حزب‌الله بدون دبیر کل کاریزماتیک خود ادامه می‌دهد، است. نویسنده به جزئیاتی مانند تغییرات در ساختار حزب، نقش جانشینان و تأثیر شهادت بر اتحاد شیعیان لبنان می‌پردازد. یکی از فصل‌های جذاب، توصیف بازدید از مناطق جنوبی لبنان است؛ جایی که عظیمی


کتاب مقاومت
فاطمه شریفی

به مناسبت سالگرد شهادت سیدحسن نصرالله، رهبر کاریزماتیک حزب‌الله لبنان که در ششم همراه سال گذشته به دست رژیم‌صهیونیستی به شهادت رسید، به بررسی سه کتاب برجسته از انتشارات سوره مهر می‌پردازم. سیدحسن نصرالله، نماد مقاومت اسلامی در برابر اشغالگری و استکبار، نه تنها یک سیاستمدار و فرمانده نظامی، بلکه یک شخصیت فرهنگی و معنوی بود که الهام‌بخش میلیون‌ها نفر در جهان اسلام شد. شهادت او در حمله هوایی رژیم‌صهیونیستی به جنوب لبنان، نقطه عطفی در تاریخ مقاومت بود؛ نقطه‌ای که سوگ عظیم ملت‌های آزادی‌خواه را برانگیخت و هم‌زمان، موجی از حماسه و ایستادگی را به راه انداخت. در چنین بستری، لزوم پرداخت به آثار هنری و ادبی درباره زندگی، شهادت و میراث او بیش از پیش احساس می‌شود. این آثار نه تنها خاطرات را حفظ می‌کنند، بلکه به نسل‌های آینده کمک می‌کنند تا ابعاد انسانی، ایدئولوژیک و فرهنگی این شهید را درک کنند. ادبیات مقاومت از طریق روایت‌های شخصی، مستندنگاری و سفرنامه‌ها، می‌تواند پلی میان گذشته و آینده بزند و مانع از فراموشی شود. انتشارات سوره مهر، به عنوان یکی از ناشران پیشرو در حوزه ادبیات انقلاب و مقاومت با انتشار کتاب‌هایی مانند «دوازده صفر سه»، «در بازداشت حزب‌الله» و «دیدار با دبیرکل» نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده است. این کتاب‌ها هر کدام از زاویه‌ای متفاوت به تشییع، زندگی پس از شهادت و دیدارهای شخصی با سیدحسن می‌پردازند و تصویری جامع از او ارائه می‌دهند. در ادامه، به معرفی و توضیح هر کدام از این کتاب‌ها می‌پردازم.

کتاب «دوازده صفر سه» روزنگاری‌های تشییع سیدحسن نصرالله» نوشته محمدصادق علیزاده، یکی از تازه‌ترین آثار انتشارات سوره مهر است که مستقیماً به مراسم تشییع پیکر شهید نصرالله اختصاص دارد. این کتاب که در سال ۱۴۰۴ منتشر شده، مجموعه‌ای از روایت‌های ۱۷ نویسنده و خبرنگار است که هر کدام از زاویه‌ای شخصی و مستند، لحظات تشییع میلیون‌ها در بیروت و دیگر شهرهای لبنان را توصیف می‌کنند. عنوان اما عمق بی‌پایان، یادآوری می‌کند که هنر معاصر ایران، بر رنگ و سمبل، می‌تواند روایت‌هایی نو از وحدت و امید بسازد؛ روایتی که در دل پاییز ۱۴۰۴، همچون پرچمی سمرنگ برافراشته شد.


تجسمی



سفری به قلب ایران در نمایشگاه سبز و سپید و سرخ

۳ رنگ هویت ایرانی بر بوم نقاشی

■ الهام رادمهر
 شامگاه ۲۰ شهریور ۱۴۰۴، گالری خانه حوزه هنری تهران همچون قلبی تپنده، میزبان رویدادی شد که نه تنها بوم‌های نقاشی را به دیوار دوخت، بلکه روح هویت ایرانی را در سه رنگ زنده کرد. نمایشگاه «سبز و سپید و سرخ» - پروژه‌ای مفهومی و مینیمال با حضور سه نقاش پیشکوت - کاظم چلیپا، حسین خسروچردی و مصطفی گودرزی - افتتاح شد. این رویداد به نظر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری و با کپوریتوری دقیق امیر عبدالحسینی، بیش از یک نمایش ساده بود؛ دعوتی به تأمل در مفهوم «ایران» از منظر سه نسل هنری که هر کدام با رنگی خاص، لایه‌ای از این هویت چندوجهی را بازخوانی کردند. تابلوها هر سه با ابعاد یکسان ۱۲۰ × ۱۸۰ سانتیمتر، همچون سه آینه موازی، بدون پیش‌زمینه یا اطلاع از یکدیگر، روایتی مستقل اما هم‌آوا از میهن ترسیم کرده‌اند. بیانیه کپوریتور، امیر عبدالحسینی، این مجموعه را «سرزمین مادری، میهن برادری و خواهری» توصیف می‌کند؛ جایی که سبز، سپید و سرخ نه تنها رنگ‌ها، بلکه نمادهایی از شکوه آب و خاک، عشق پاک و وحدت ملی هستند.

فضای گالری از همان دم‌دمای غروب با هجوم بازدیدکنندگان پر شد. طیفی گسترده از هنرمندان، مدیران فرهنگی، شاعران، دانشجویان هنر و مردم عادی، دیوارها را احاطه کرده بودند. هوا سنگین از بوی رنگ روغن و هیجان گفت‌وگوها بود؛ جایی که هر نگاهی به تابلوها، جرقه‌ای از نوستالژی و امید می‌زد.

در قلب نمایشگاه، تابلوی کاظم چلیپا با غالب سبز، همچون باغی جاودان، درخت سرو را به تصویر می‌کشد؛ نمادی کلاسیک از آزادی در فرهنگ ایرانی. چلیپا با نگاهی نمادین، می‌دهد رانیز به بوم آفروده؛ پرندهای که جست‌وجوی سیمرغ را تداعی می‌کند؛ نمایی از آزادی و پرواز روح ایرانی. این اثر، سبزهاری را نه تنها به عنوان رنگ، بلکه به مثابه پویایی زندگی و استقامت طبیعت بازتاب می‌دهد. در مقابل، تابلوی حسین خسروچردی

را می‌فروشتند، نه ناشر.

نگاه رادیکالی حوزه روی این وضعیت تأثیر دارد؟

بله. حوزه کتاب‌های خوبی دارد که هم از نظر فرم و هم زبان قوی هستند، ولی چون تبلیغ و معرفی نمی‌شوند، کسی آنها را نمی‌خواند. بسیاری از بهترین کارهای نویسندگان در سوره مهر خاک می‌خورند و عملاً نابود می‌شوند.

شما نسبت به تاریخ شفاهی هم نقدهای تندی دارید.

بله. چیزی که در ایران به نام تاریخ شفاهی چاپ می‌شود، اغلب بیشتر شبیه دفترچه خاطرات شخصی است. هیچ نگاه انتقادی در آن وجود ندارد. در دنیا وقتی کسی مثل هیلاری کلینتون خاطراتش را منتشر می‌کند، نویسندهای حرفه‌ای پشت کار است و همه چیز را بی‌پرده می‌گوید، اما اینجا همه عالی هستند، همه خوبند، هیچ تناقضی هم وجود ندارد. این روایت‌ها برای نسل جدید جذاب نیست. دختران دهه‌های ۷۰ و ۸۰ این نگاه را پس می‌زنند. به نظر من این کتاب‌ها رو به عقب هستند، نه رو به جلو.

خود شما در جلسات چه نقشی دارید؟

من از ابتدا سعی کرده‌ام بیشتر میاندار باشم، اما حالا دارم خودم هم وارد نقد علمی می‌شوم. به بچه‌ها می‌گویم این نقد ساختارگرایانه است، آن یکی روایت‌شناسی، این یکی پس‌استعمرای. آرام‌آرام همه یاد می‌گیرند. بعضی از شرکت‌کنندگان تازه کارند. به آنها هم می‌گویم بیا بید یادداشت بنویسید، تجربه کنید، حتی اگر ابتدا نقتدان خام باشد. هدف این است که این فضا به یک کارگاه واقعی تبدیل شود.

در پایان بفرمایید بر نامه «دوشنبه‌ها به وقت کتاب» برای شما چه معنایی دارد؟

برای من مهم‌ترین اصل این است که ادبیات برای همه است. این برنامه توانسته است جمعی از نویسندگان جوان و پیشکسوت را دور هم بیاورد، فضایی باز برای نقد صریح فراهم کند و حتی در شرایط سخت مالی هم به کار خود ادامه دهد. من همیشه می‌گویم افتخار این برنامه مال من نیست، مال حوزه است. اینکه سالن پر می‌شود و طیف‌های مختلف می‌آیند، یعنی هنوز ادبیات زنده است. ما فقط باید این فضا را نگه داریم و نگذاریم به حاشیه برود.

